

حوادث ۱۹ خرداد

تلنگر

قتل مرد ناشناس در سحرگاه بازار

مرد ناشناس باامداد جمعه در محله بازار تهران با ضربه‌های چاقو به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه صبح دیروز – جمعه – یکی از ماموران کلانتری بازار به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد مردی حدود ۴۵ ساله بر اثر ضربه‌های چاقو به قتل رسیده و جسدش در خیابان افتاده است.

با حضور تیم جنایی مشخص شد مقتول گوشی یا مدارک هویتی همراه ندارد. وجود لکه‌های خون بر روی زمین و دیوار نشان می‌داد او پس از مجروح شدن، چند متری را با آن وضعیت طی کرده، اما شدت خونریزی باعث مرگش شده است.

با دستور قضایی ماموران به تحقیق از اهالی پرداختند تا شاید ردی از قاتل فراری به دست آید یا کسی مقتول را بشناسد، اما هویت مقتول و قاتل شناسایی نشد.

این در حالی بود که یکی از اهالی که کارگاهی در حوالی محل جنایت داشت، با مراجعه به پلیس اطلاعات جدیدی در اختیار آنها قرار داد و گفت: «من در کارگاهم بودم که نزدیک ساعت ۴ صبح جمعه صدای دعوا و درگیری شنیدم. گمان کردم شاید دوباره افراد معتاد و سارق با هم درگیر شده‌اند.

دو ساعت بعد، وقتی صدای آژیر پلیس و آمبولانس آمد و از کارگاه بیرون زدم، متوجه کشف جسد مردی شدم. تصور می‌کنم مرگ او با صدای درگیری مرتبط باشد.»

محمد وهابی، بازپرس شعبه دوم دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: «با دستور قضایی قرار شد که ماموران فیلم دوربین مداربسته موجود در محله را بازبینی کنند تا شاید ردی از قاتل به دست آید. همچنین ماموران اداره هم پلیس آگاهی تهران، در تلاش برای شناسایی هویت مقتول هستند.»

بازداشت رمال میلیاردر در نیاوران

زن رمالی که با وعده بخت‌گشایی از دوزن دو میلیارد تومان کلاهبرداری کرده بود بازداشت شد. به گزارش مرکز اطلاع رسانی پلیس آگاهی تهران بزرگ، چندی پیش دوزن جوان با حضوردر پلیس آگاهی تهران بزرگ شکایت‌کردنکه از سال ۹۷ با زنی به نام ساناز آشنا شده‌اند. او وانمود می‌کرده که دارای قدرت ماورایی است و می‌تواند مقدمات ازدواج آنها را فراهم کند.ما فریب‌شان داده و بعد از کلاهبرداری ۲ میلیارد تومانی فرار کرده است. سرانجام در خانه جدید او در محله نیاوران به دست آمدووی بازداشت شد و اعتراف کرد.

غبارروبی مزار شهدا در بوستان برکت بومهن به مناسبت هفته دفاع مقدس

به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس و نکوداشت یاد و خاطره ایثارگری‌ها و جانفشانی‌های رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، مراسم غبارروبی و عطرافشانی مزار شهدا با حضور مهندس الماسی سرپرست شهرداری و جمعی از کارکنان و بسیجیان در گلزار شهدای شهر بومهن برگزارشد.

در این مراسم، حاضران با حضور در کنار مزار مقدس شهدای گمنام واقع در بوستان برکت انقلاب و شهدای جنگ تحمیلی در گلزار شهدای امامزاده سلطان مظهر(ع) با قرارت فاتحه به تجدید میثاق با آرمان‌های شهدای بزرگوار دفاع مقدس پرداخته و به مقام والای این عزیزان ارج نهادند.

طرح توسعه آذر برنده جایزه جهانی مدیریت تعالی پروژه شد

طرح توسعه میدان مشترک آذر در بخش پروژه‌های مگا در رقابت‌های جایزه جهانی مدیریت تعالی پروژه خوش درخشید و مدال طلای این بخش از رقابت‌ها را از آن خود کرد. شرکت ایرانی مهندسی و توسعه سروک آذر(SAED) متعلق به مجموعه

صندوق‌های بازنشتگی نفت که توسعه میدان مشترک آذر را به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین میادین نفتی کشور در کارنامه دارد، در بخش پروژه‌های مگا در رقابت‌های جایزه جهانی مدیریت تعالی پروژه، حائز مدال طلا شد.

بر اساس اعلام این شرکت، پس از دو دهه تلاش پروژه‌های برتر ایرانی در مسیر کسب جایزه جهانی مدیریت تعالی پروژه که هرساله توسط مؤسسه بین‌المللی IPMA در نقاط مختلف جهان برگزار می‌شود، چهارشنبه، ۳۱ شهریورماه در مراسم IPMA Global Award ۲۰۲۱ که به میزبانی کشور روسیه در شهر سن پترزبورگ برگزار شد، شرکت ایرانی مهندسی و توسعه سروک آذر (SAED) که متعلق به مجموعه صندوق‌های بازنشتستگی نفت است با کنسرسیوم اوپک و شرکت اهداف مشغول فعالیت است، پس از طی دوره‌های ارزیابی توسط مؤسسه IPMA، به‌عنوان فینالیست مهم‌ترین بخش جایزه جهانی در قسمت پروژه‌های مگا قرار گرفت و در رقابتی فشرده با کشورهای فنلاند و هند، با کسب مدال طلا به کسب بالاترین افتخار در این رقابت جهانی دست یافت.
دستیابی به مدال طلا در این رقابت جهانی، توسط یک شرکت توسعه‌دهنده فعال در بخش بالادستی نفت و در شرایطی محقق شده که صنعت نفت با وجود مواجه با تحریم‌های ظالمانه توانسته است در یکی از پیچیده‌ترین میادین نفتی منطقه و جهان عملکرد قابل دفاعی به نمایش بگذارد.



شد کوهنوردان نجات‌یافته به پایین کوه منتقل شوند. این گزارش حاکی است که قله البروس در شمال قفقاز روسیه قرار گرفته و بلندترین کوه اروپا با ۵۶۴۲ متر ارتفاع است و سالانه ده‌ها کوهنورد در روسیه هنگام صعود به آنجا جان خود را از دست می‌دهند.

آرزوی پیاده‌روی اربعین داشت

به خصوص عوامل اورژانس که شرایط روحی ما را به خوبی درک و مدارا کردند، تشکر کردم. آنها رفتار بسیار شایسته‌ای داشتند، اما در این مورد کوتاهی کردند.

از بیمارستان شکایت می‌کنید؟
نه چه شکایتی. صد خوبی هم کردند و این یک بدی هم‌کنارش نبود. خوبی‌هایشان را هرگز فراموش نمی‌کنیم.

لحظات آخر زندگی‌علی‌کنارش

بودید؟
بله با هم صحبت می‌کردیم. علی به باشگاه می‌رفت. سر به سر او می‌گذاشتم و می‌گفتم عمو، عضلاتت بیرون زده. گفت نه عضلاتم آب رفته است. حالم که خوب شود، دوباره به باشگاه می‌روم و عضلاتم را می‌سازم.

علی قطورپسری بود؟

شیفته ام‌ام حسین (ع) بود و در تمام روزهای یک بستر می‌بود، زیارت عاشورا گوش می‌داد. آرزو داشت به پیاده‌روی اربعین برود. با ارسال می‌خواست برود که کرونا آمد و نشد. امسال پدرش به او قول داده بود که به زیارت اربعین می‌روند که این اتفاق تلخ افتاد. نماینده ولی فقیه در خوزستان به عیادت علی آمد و گفت این بار که نشد و من به نیابت از شما به کربلا می‌روم و زیارت می‌کنم و سال دیگر با هم می‌رویم، اما علی طاقت نیاورد و روحت زودتر از جسمش به کربلا رفت.

قرار است پیکر علی در کجا به خاک

سپرده‌شود؟

قرار است او را با آمبولانس به ایده ببریم و شنبه ساعت ۴ بعد ازظهر مراسم تشییع برگزار می‌شود. در خوزستان سالن ورزشی به نام علی زده‌اند و قرار است تندیس‌ی هم به یاد رشادت علی ساخته شود. **‌**

ساعت ۱۰ صبح روز جمعه با پدر علی

تماس گرفتیم. آن طرف خط، غوغایی به پا بود. صدای پدر با اشک و بغض شدیدی آمیخته بود. می‌گوید حالش بد است و بهتر است چند ساعت دیگر با او تماس بگیریم. ساعت از یک بعدازظهر گذشته بود که دوباره شماره پدر علی را گرفتیم. این بار عمویش گوشی را برداشت. حال او هم دست کمی از پدر علی نداشت.

تسلیت می‌گوییم آقای‌لندی. در خبرها می‌خواندیم که حال علی بهتر شده‌است. چرا ناگهان خبر فوت‌او منتشر شد؟

علی چند روزی بودکه وضعیت جسمی و روحی خوبی داشت و پزشکان هم راضی بودند، اما ناگهان همه چیز تغییر کرد. درخواست کمیسیون پزشکی کردیم و گفتیم پزشکان بیشتری برای معاینه به بالین علی بیایند. بیمارستان امام موسی کاظم(ع) متخصص ریه نداشت و چون علی دچار افت اکسیژن شده بود و مشکل ریوی داشت، ما مصر بودیم که یک فوق تخصص ریه علی را معاینه کند. جلسه کمیسیون پزشکی با تأخیر تشکیل شد و ما هم رفتیم و گفتیم متخصص ریه تان را معرفی کنید. گفتند کار پزشک ریه را پزشک بیهوشی انجام می‌دهد. ما می‌خواهیم یک فوق تخصص ریه بیاید و نظر بدهد اما ناگهان علی دچار افت اکسیژن و بعد ایست قلبی شد.

این احتمال وجود دارد که قصوری رخ داده باشد؟

کادر درمان بیمارستان خیلی برای علی زحمت کشیدند، اما در این مورد کوتاهی کردند. حتی به طورکتابی نامه نوشتم و از عوامل بیمارستان و

بیش از ۵۰۰۰ متری نزدیک و ناگهان در پی وقوع کولاک گرفتار شدند. پنج نفر از کوهنوردان دچار حادثه‌شده و فوت کردند. چهارده کوهنوسد دیگر که احتمال می‌رفت به سرنوشت تلخی همچون پنج کشته‌شده دچار شده باشند با حضور نیروهای امدادی نجات پیدا کردند. با حضور تیم‌های امدادی در محل حادثه قرار

دو روز بعد از حادثه، پدر علی در مصاحبه با ما گفت حالش

خوب است و دکترها دارند تمام تلاش‌شان را می‌کنند تا حال او بهتر شود. علی سرتا پا باندپیچی شده بود و همه نگران‌ش بودند. چند روز بعد فیلمی از علی در فضای مجازی پخش شد که نشان می‌داد حال او بهتر شده و حتی می‌توانست صحبت‌کند. خبر رشادت و شجاعت بی‌مثال علی که پخش شد، مسوولان هم وارد میدان شدند تا سهمی هرچند ناچیز در بهبود وضعیت شیرمرد کوچک ایده‌ای داشته باشند.

۲۸ شهریور بود که دکتر احمد وحیدی، وزیرکشور، با استانداران اصفهان و خوزستان تماس گرفت و به آنها ماموریت داد تا وضعیت درمانی و هزینه‌ای علی را پیگیری و نتیجه را به او گزارش کنند. با دستور وزیر، امیدها برای نجات علی افزایش پیدا کرد، اما فرشته مرگ بالای تخت علی خیمه زده بود. در حالی‌که خانواده علی و بسیاری از مردم ایران دست به دعا بودند، اما نیمه شب دوم همراه، ناگهان حال علی رو به وخامت گذاشت و علی ققنوس‌وار به آسمان‌ها پرکشید. دکتر جمشید نمازی‌راد، پزشک معالج بیمارستان امام موسی کاظم درباره فوت علی گفت: «علی از چهارشنبه حال عمومی مساعدی نداشت و تنفس‌اش به سختی انجام می‌شد، در نهایت عفونت وارد خوش‌ش شد. سپس ارگان‌های بدنش یکی‌یکی از کار افتادند و کلیه و ریه دچار مشکل شدند. متأسفانه تلاش زیادی شد تا علی احیا شود، اما جوابگو نبود و او فوت شد.» او ادامه داد: «چند بافت و ارگان اصلی بدن علی به طور پیوسته دچار مشکل شدند و زمانی‌که فرد به این مرحله می‌رسد، هیچ کاری در زمینه سوختگی نمی‌توان انجام داد و ۹۰ درصد مرگ و میر دارد. ۸۵ درصد سطح بدن علی سوخته بود و بیشرفته‌ترین مراکز درمانی هم نمی‌توانستند هیچ‌کاری برای او انجام دهند. »

علی‌که پرکشید، چند ساعت بعد خبر فوتش در فضای مجازی و رسانه‌های کشور منتشر شد. آه و اشک و حسرت بود که در دل زبان مردم جاری بود. **‌**

اسم این پسر باید به عنوان قهرمان در کتاب‌های درسی نوشته بشه.

آقرین به غیرت و مردونگی‌ش. کاش زنده بود و الگویی می‌شد برای همسران خودش.

بمیرم برای دل پدر و مادرت، چی به تو یاد دادن که این‌طور فداکاری کردی.

خبر فوت علی تا بالاترین رده‌های مسوولان هم بازتاب داشت تا آنجا که مخبر، معاون رئیس جمهور به نیابت از رئیس جمهور و در پیامی فوت علی را به خانواده‌اش تسلیت‌گفت.



نوجوان فداکار ایده‌ای که ۲ زن را از آتش نجات داده بود بر اثر سوختگی جان باخت

«علی» فرزند آسمان

در حرفه روزنامه‌نگاری، خبرنگار نباید هیچ جهت‌گیری‌ای داشته باشد اما در مورد علی‌لندی،

نوجوان ۱۵ ساله ایده‌ای ماجرا فرق می‌کند. می‌خواهیم از یک شیرمرد دهه هشتادی بنویسیم. از قهرمانی ملی که ققنوس وار در آتش سوخت و به آسمان‌ها پرکشید. او بزرگمرد کوچکی که قهرمانانه به دل حادثه رفت. ماجرای غمبار علی، شب ۱۸ شهریورماه رقم خورد. او آن شب مهمان خانه خاله‌اش در ایده بود که خانه همسایه‌ی ناگهان به خاطر انفجار پیک آتش گرفت. دوزن میانسال سعی کردند آتش را خاموش کنند، اما تلاش‌شان راه به جایی نبرد و شروع به جیغ زدن کردند تا شاید کسی به کمک‌شان بیاید.

خاموش شد و هر سه مصدوم به بیمارستان منتقل شدند. زنی که پیرتر بود فوت شد، اما دخترش سرپایی درمان شد. حکایت علی اما فرق داشت. ۹۱ درصد سوختگی، نتیجه سرشاخ شدن علی با آتش بی‌رحم بود. او ابتدا به بیمارستان سوانح و سوختگی آیت‌ا... طالقانی منتقل شد، اما شدت سوختگی به حدی بالا بود که علی را به بیمارستان امام موسی کاظم(ع) اصفهان منتقل کردند. خبر شجاعت بی‌مثال علی به سرعت در رسانه‌ها منتشر شد. خیلی‌ها با بهت و ناباوری از شجاعت علی در فضای مجازی می‌گفتند:

مرحبا به غیرت.

دعای منم. خدا بهت سلامتی بده مرد بزرگ.

خدا با خودت شفافش بده به مادرش و جوونیش رحم کن.

حکم اعدام ۲ عضو شبکه اسکورت دختران ایرانی

الکس و مادرش شبکه قاچاق دختران را

تشکیل داده بودند



سرکرده شبکه اسکورت دختران ایرانی و یکی از اعضای باندش بعد از محاکمه در دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شدند.

به گزارش جام جم، شهروز سخنوری، ملقب به الکس سرکرده یک شبکه بین‌المللی تهرکاری است که مدت ۳ سال و با توجه به ارتباطات گسترده خود در کشورهای مختلف با سازماندهی باندهای فحشا و منکرات اقدام به قاچاق دختران به خارج از کشور می‌کرد.

الکس سال ۹۰ و بعد از دیپورت شدن از دبی، همراه مادر و یک دختر معروف به مانلی به تأسیس باند اسکورت دختران ایرانی اقدام کرد. مانلی دست‌انست الکس در مورد علت دیپورت شهروز سخنوری از دبی می‌گوید: «الکس همراه چند نفر در دبی به گروه‌گانگیری اعضای یک خانواده اقدام کرده و جلوی چشم پدر خانواده به مادر خانواده و دختر آنها تجاوز کردند. الکس به خاطر این کار ۶ ماه زندانی و بعد هم دیپورت شد.»

الکس بعد از بازگشت به ایران با مانلی دوست شد و همراه مادر مانلی شبکه زیرزمینی خود را پایه‌گذاری کرد. الکس با تهیه چند عکس برهنه از مانلی و ارسال آن برای دوستان خود در خارج از کشور مقدمات سفر مانلی و مادرش به دبی را فراهم کرد و

سرانجام سال۹۱ مانلی و مادر شهروز به نام شانیکا به تابعیت آمریکا رانیز دارد، وارد دبی شدند. بعد از این سفر الکس دو دختر را با وعده زندگی لاکچری فریب داد و راهی دبی کرد.

الکس بعد از راه‌انداختن سرویس اسکورت ایرانی، ایران را به مقصد مالزی ترک کرد تا از این کشور به مدیریت باند خود بپردازد. با پیگیری پلیس ایران، الکس و مانلی همراه دیگر اعضای این باند دستگیر و به ایران منتقل شدند.

پس از محاکمه متهمان در دادگاه انقلاب تهران برای الکس و یکی از اعضای باندش حکم اعدام صادر شد. نفر دیگر از اعضای این پرونده به تحمل ۱۵ سال حبس محکوم شدند. این رای در دیوان عالی کشور قابل تجدیدنظر است.